

# فرد و تعلیم و تربیت

## علیه شریعت مداریم

### احتیاجات فرد در دوره بچگی

۱- توسعه نظر صحیح درباره خود بعنوان یک موجود رشدکننده؛ در این زمینه ایجاد عادات لازم برای توجه بدن، پاکیزه نگاهداشتن آن محافظت بدن و توسعه نظر صحیح و واقعی در باره امور جنسی ضروری است.

از لحاظ تربیتی موفقیت در اجرای این وظیفه شخصیت متعادل در فرد بوجود میآورد. در این صورت وضع بدنی فرد خوب و نظر او نسبت بامور جنسی معقول و منطقی است. باین معنی که ارضاء غریزه جنسی رامنشأ لذت میداند ولی توجه دارد که این امر باید در دوره های بعدی زندگی انجام شود. بنابراین بچه نه احساس تقصیر میکند و نه خود را تسلیم غریزه جنسی مینماید.

توسعه عادات بهداشتی و تعلیم آنها واستفاده از فیلم بمنظور نشان دادن قیافه واندام قهرمانان برای بچه ها مفید است.

۲- طرز بسربردن باد دیگران، ایجاد رفاقت و انتخاب رفیق ورشد یک شخصیت اجتماعی؛ مدرسه جایی است که بچه ها در آن طرز معاشرت باد دیگران را فرامیگیرند. بنابراین معلم کیفیت همکاری کودکان را باهم در بازیهای مختلف بایشان میآموزد و در ایجاد ارتباط صحیح و

۵۹۶ تخاب دوست میان بچه ها بایشان کمک میکند.

۳- یادگیری نقشی که بعنوان یک فرد مذکر یا مؤنث از لحاظ اجتماعی بعهده افراد است؛ منظور این است که پسرها آنچه را لازمه پسر بودن و دخترها آنچه را که جامعه از آنها انتظار دارد انجام دهند. بچه ها اجرای این نقش را ابتدا در خانه و بعد از رفقای همسن خود یاد میگیرند در مدرسه باید نسبت بافراادیکه در خانه یا در میان گروه همسن اجرای این نقش را نیاموخته اند بطور انفرادی اقدام شود.

۴- یادگیری مهارتهای اساسی در خواندن نوشتن و حساب کردن آنقدر که فرد بتواند تا حدی احتیاج خود را در جامعه تامین نماید؛ از لحاظ تربیتی باید توجه داشت که بچه ها در سن ۳ سالگی کمتر آمادگی برای فراگرفتن خواندن و نوشتن دارند. بنا بر این در این سن نباید اصرار در تعلیم خواندن و نوشتن نمود. معمولاً بچه ها در سن ۷ سالگی زودتر و آسانتر خواندن و نوشتن را میآموزند و بتدریج مفاهیم ریاضی برای آنها روشن میگردد.

۵- رشد مفاهیم ومعانی اموری که بچه در زندگی روزمره با آنها سرو کار دارد؛ در یاد دادن مفاهیم باید از طرق حسی و از راه تجربه استفاده کرد. بطور کلی اساس برنامه دبستانها در سالهای اول تا آنجا که مقدور است باید بر تجربیات حسی قرار داشته باشد نتیجه تعلیم و تربیت از طریق حسی این است که تصورات و مفاهیمی که وارد ذهن بچه میشود نسبتاً با واقعیات تطبیق مینمایند. در سالهای

اگر معلم مستبد و دیکتاتور باشد بچه‌ها فرصت کمی برای اجرای استقلال شخصی دارند. اگر معلم نقش راهنما و سرپرستی بچه‌ها را بعهده‌گیرد آنها فرصت‌های فراوانی برای قبول مسئولیت در امور مختلف خواهند داشت.

۸- یادگیری مهارت‌های بدنی که برای شرکت در بازی‌های معمولی ضروری است؛ این مهارت‌ها عبارتند از انداختن و گرفتن توپ، شناکردن و دستکاری ابزار و وسایل ساده.

در این دوره رشد عمومی ماهیچه‌ها صورت می‌گیرد و این رشد با رشد اعصاب که هماهنگی ماهیچه را آسانتر می‌سازد همراه است. معمولاً در اجتماعات مختلف از پسرها بیشتر انتظار می‌رود که این مهارت‌ها را یادگیرند. اگر پسرها در اجرای این مهارت‌ها دچار شکست شوند مورد بی‌اعتنائی گروه همسر خود قرار می‌گیرند در صورتیکه در مورد دخترها چنین نیست. مربی باید در مورد بچه‌هایی که از اجرای این مهارت‌ها عاجز هستند بطور انفرادی اقدام کند و آنها را با این گونه مهارت‌ها آشناسازد.

۹- رشد تمایلات اجتماعی یادداشتن نظر مساعد نسبت بگروه‌ها و موسسات اجتماعی؛ در این دوره بچه‌ها با موسسات مختلف اجتماعی از قبیل موسسات اقتصادی، مذهبی و دسته‌هایی که دارای افکار و عقاید مختلف هستند بتدریج آشنا میشوند و تمایلات مساعد یا نامساعد نسبت باین گونه موسسات ابراز میدارند. مدرسه باید با شرکت دادن بچه‌ها در کارهای گروهی و بحث جمعی آنها را با احترام با افراد بر رعایت حقوق دیگران، به بررسی منطقی افکار و عقاید مختلف و تحمل افکار و عقاید دیگران تشویق نماید.

آخر دبستان توسعه بعضی از مفاهیم در ذهن بچه‌ها از راه خواندن اشکالی ندارد. در تدریس موادی از قبیل تاریخ، جغرافیا و حساب باید متوجه این نکته بود که بچه‌چه وقت مفاهیم اموری مانند زمان، مکان و عدد را در ذهن خود تشکیل میدهد.

۱۰- توسعه و رشد وجدان اخلاقی، احترام بقوانین اخلاقی و تهیه میزان یا مقیاس عقلی جهت ارزشها؛

مدرسه از طرق زیر میتواند در وجدان خلقی و سطح اخلاق بچه‌ها تأثیر کند:

الف- از طریق تعلیمات اخلاقی.

ب- از راه تنبیه و پاداشی که معلم یا گروه معمول میدارد.

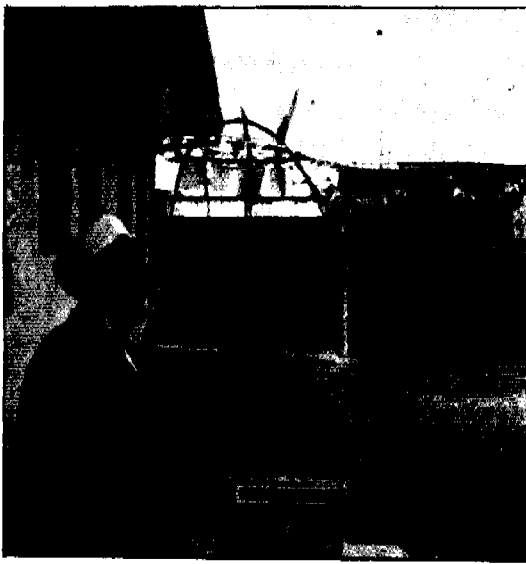
ج- از طرق مثالهایی که معلم بیان میکند.

د- از راه تجربیاتی که بچه‌ها در میان گروه همسر خود کسب میکنند. بازیها و کارهای جمعی وسیله خوبی برای رشد اخلاقی بچه‌هاست. بنظر نگارنده شرکت در کارهای جمعی و توسعه میزانهای اخلاقی با در نظر گرفتن علاقه جمع و راهنمایی بچه‌ها در احترام بقواعد و افکار و حقوق دیگران بهترین وسیله برای ایجاد رشد اخلاقی در میان بچه‌هاست.

۱۱- اجراء استقلال شخصی؛ منظور از این وظیفه این است که بچه مستقل بارآید و بتواند بدون کمک والدین با دیگران برای ترتیب و اداره امور خود چه در زمان حاضر و چه در آینده طرح و نقشه تهیه نماید و آنها را بمعرض اجرا درآورد.

مدرسه و گروه همسر بمنزله آزمایشگاهی هستند که بچه‌ها در آنها حالت استقلال را در خود رشد میدهند. موفقیت و شکست در اجرای این وظیفه بیشتر مربوط بارتباط میان معلم و بچه‌هاست.





تأثیر دین را در زندگی اجتماعی و اخلاقی مورد توجه قرار دهند. آشنا کردن جوانان بمبانی دینی و شرکت دادن آنها در مراسم صحیح مذهبی در این زمینه سودمند است.

۹- احتیاج به درک اهمیت خانواده: جوانان باید اهمیت خانواده و نقش آنرا از لحاظ اجتماعی درک کنند. در برنامه‌های مدرسه باید مسئله تشکیل خانواده از لحاظ اقتصادی و اجتماعی مطرح گردد. آمادگی جهت تشکیل خانواده و آشنائی بسبب مشکلاتی که در خانواده پیش می‌آید برای جوانان ضروری است. طرز اداره خانواده، تربیت بچه و ناهنجاری‌ها وضع اقتصادی خانواده از اموری هستند که باید جوانان فراگیرند.

۱۰- احتیاج بدرک اینکه چگونه باید اوقات بیکاری را صرف کرد:

اغلب جوانان نمیدانند چگونه اوقات فراغت را بگذرانند. در مدارس نیز این نکته کمتر مورد توجه مربیان است. معلمان باید در تهیه برنامه‌های سودمند و فرح‌انگیز برای ایام بیکاری به شاگردان کمک کنند. عادت به مطالعه، عادت به ورزش و تفریح سالم در این زمینه مفید است.

در جامعه آشنا باشد و مسئولیتی را که از لحاظ اجتماعی بعهده دارد قبول کند. در این زمینه مدرسه میتواند از راه تدریس تعلیمات مدنی شرکت دادن بچه‌ها در امور اجتماعی و آشنا کردن آنها بمؤسسات اجتماعی و نقش اینگونه مؤسسات آنها را بوظایف و حقوق خود آشنا سازد.

۵- احتیاج بفهم‌روش علمی و نقش علوم در زندگی بشر: افراد بالغ باید از طریق حل مسائل علمی و کار در آزمایشگاه بروش علمی آشنا شوند و این روش را در کلیه شئون زندگی بکار برند مطالعه رشته‌های مختلف علمی باید شاگردان را بنقش علوم در زندگی بشر آشنا سازد و حس فدردانی آنها را در مقابل علوم و مبانی علمی تحریک کند.

۶- احتیاج بر رشد اخلاقی: در این زمینه جوانان باید خوب و بد را از لحاظ میزانهای جامعه درک کنند و بتدریج وجدان اخلاقی یا قوه تمیز خوب و بد را در خود رشد دهند. انتخاب میزانهای اخلاقی و ایجاد ارتباط صحیح با دیگران در بالا بردن رشد اخلاقی مؤثر است. مدرسه میتواند با شرکت دادن شاگردان در کارهای جمعی عملاً در بالا بردن سطح اخلاق آنها اقدام کند.

۷- احتیاج بفهم ارزش و اهمیت امور هنری: جوانان باید بتدریج ارزش آثار هنری را درک کنند و حس زیبا پرستی را در خود رشد دهند. قدردانی در مقابل آثار گرانبهای ادبی و سایر امور هنری و استفاده از مناظر زیبای طبیعت در رشد ذوق هنری جوانان تأثیر دارد.

۸- احتیاج بدرک ارزشهای دینی و معنوی: جوانان باید ارزش مبانی دینی را درک کنند و